



«تخلیه جمعیت»، وجه تاریک و فراموش شده مدیریت بحران

هیچ طرح مصوب و آزمایش شده‌ای برای تخلیه جمعیت شهر (یا حتی نواحی و محلات شهری) تهران وجود ندارد. شهری که بخش عظیمی از آن را بافت‌های فرسوده با معابری نفوذناپذیر و بناهایی ناپایدار تشکیل می‌دهد ...

*حامد گوهری‌پور: هیچ طرح مصوب و آزمایش شده‌ای برای تخلیه جمعیت شهر (یا حتی نواحی و محلات شهری) تهران وجود ندارد. شهری که بخش عظیمی از آن را بافت‌های فرسوده با معابری نفوذناپذیر و بناهایی ناپایدار تشکیل می‌دهد و نواحی نوسازتر آن نیز به دلیل وجود ساختمان‌های بلندمرتبه عموماً جمعیتی بیش از ظرفیت تحمل شبکه راه‌های مجاور را در خود جای داده است؛ در موضوع حیاتی «تخلیه جمعیت» بلا تکلیف است. درحالی‌که دهه‌هاست بسیاری از کشورها و کلان‌شهرهای جهان برای روز مبادای مواجهه با حوادث طبیعی مانند سیل، توفان، زلزله و همین‌طور بحران‌های انسان‌ساز مانند آتش‌سوزی و حتی حملات تروریستی دارای طرح تخلیه جمعیت بوده و به تناوب از طریق مانورهای گوناگون آن را آزموده‌اند، کلان‌شهر پرتراکم و افسارگسیخته تهران از چنین طرحی حتی در حد یک سند مصوب روی کاغذ نیز بی‌بهره است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه شرق، اندک‌زمانی از مصیبت به‌جامانده از فاجعه پلاسکو می‌گذرد و بی‌تردید داغ آن تا مدت‌ها در اذهان شهر و شهروندان باقی خواهد ماند. بغض ناشی از این حادثه توأم با هراس از رویدادهای مشابه در آینده، تحلیل‌ها، گزارش‌ها و هشدارهای متعددی را در این چند روز به همراه داشته است. این نگرانی را می‌توان از پیگیری‌های مردم در شبکه‌های اجتماعی تا اظهارنظرهای کارشناسان و مسئولان در رسانه‌ها و همین‌طور جلسات رسمی و غیررسمی شاهد بود.

دراین‌میان، آنچه به نظر می‌رسد به ویتترین توجه همگان تبدیل شده و کانون اخبار را شکل داده، وجه عیان و پیدای موضوع است. در واقع، عواملی که به عمیق‌شدن فاجعه کمک کرده‌اند، بیش از علی که می‌توانست این سوگ عظیم را دردناک‌تر کند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای نمونه، اکنون همه می‌دانند که ضعف تجهیزات آتش‌نشانی باید به سرعت مرتفع شود و لازم است شهرداری تهران ضمن بازنگری در اولویت‌های هزینه‌ای خود، ضمن پرهیز از اختصاص بودجه به اَبَرپروژه‌های تبلیغاتی نظیر پل طبقاتی صدر که توفیق‌نداشتن در آن از ابتدا نیز روشن بود، جان و مال شهروندان را در صدر توجه خود قرار دهد؛ همچنین شهرداری و مجموعه مدیریت شهری نباید صرفاً به تذکر و هشدار در مواجهه با کاستی‌ها و تخلفات بسنده کند؛ بلکه ضروری است به‌عنوان نهادی «عمومی» به وظیفه «تسهیلگری»، زمینه‌سازی و ظرفیت‌سازی خود بیش‌ازپیش جامه عمل پوشانده و با ارائه راهکارهای عملیاتی سعی در کمک به مالکان و کسبه و ساماندهی محیط‌های تجاری و غیرتجاری داشته باشد؛ همین‌طور دولت نیز پی برده است که باید اراده و پشتوانه نوسازی بافت‌ها و فعالیت‌های شهری بحران‌زا را تقویت کند.

حتی شهروندان نیز اینک دریافته‌اند که لازم است به نقش کلیدی خود در تعیین و انتخاب سیاست‌گذاران شهری و همین‌طور عکس‌العمل مناسب و سنجیده‌تر در لحظات وقوع بحران بیشتر از قبل بیندیشند؛ اما ورای این آموزه‌های آشکار، مرور چندباره وقایع روزهای اخیر، همین‌طور بررسی اسناد توسعه شهری و مدیریت بحران، هراسی را در نگارنده ایجاد کرده و ظن آن می‌رود که در پس اتفاقات تلخ روی داده در صحنه محنت‌بار خیابان جمهوری، اصلی‌ترین هدف و جنبه مدیریت بحران در شهرها- یعنی مردم- فراموش شود.

تصور کنید این حادثه شوم به جای صبحگاه آرام و خلوت پنجشنبه، در غروب پرجنب‌وجوش یکی از شب‌های نزدیک سال نو رخ می‌داد. در شرایطی که چندین هزار نفر از کسبه و کارگران در ۱۷ طبقه مشغول به کار بوده و صدها نفر در حال خرید شب عید در طبقات تجاری آن به سر می‌برند؛ خیابان‌های جمهوری، فردوسی و منوچهری نیز مملو از جمعیت پیاده و سواره است. در این شرایط پیش از آنکه خاموش‌کردن آتش و نگرانی از کفایت تجهیزات آتش‌نشانی یا حتی احتمال فروریختن ساختمان مطرح شود، مسئله تخلیه کسبه‌ای که بعید است به‌سادگی دست از محل کسب و روزی خود بکشند، خریدارانی که حیران در یافتن راه‌های فرار هستند و همچنین مردمی که در خیابان‌ها و مغازه‌های اطراف نمی‌دانند بمانند و نگاه کنند یا بروند و فضا را خالی کنند، موضوعیت پیدا می‌کند.

تصویر چنان هولناک به نظر می‌رسد که بی‌درنگ این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود: آیا طرحی ازپیش‌تهیه شده برای تخلیه عمودی (از داخل ساختمان‌ها) و تخلیه افقی جمعیت (از سطح شهر و خیابان‌های اطراف) در مقیاس چند ده هزار نفر وجود دارد؟ پاسخ راستین به این پرسش بسیار نگران‌کننده است. هیچ طرح مصوب و آزمایش شده‌ای برای تخلیه جمعیت شهر (یا حتی نواحی و محلات شهری) تهران وجود ندارد. شهری که بخش عظیمی از آن را بافت‌های فرسوده با معابری نفوذناپذیر و بناهایی ناپایدار تشکیل می‌دهد و نواحی نوسازتر آن نیز به دلیل وجود ساختمان‌های بلندمرتبه عموماً جمعیتی بیش از ظرفیت تحمل شبکه راه‌های مجاور را در خود جای داده است؛ در موضوع حیاتی «تخلیه جمعیت» بلا تکلیف است. درحالی‌که دهه‌هاست بسیاری از کشورها و کلان‌شهرهای جهان برای روز مبادای مواجهه با حوادث طبیعی مانند سیل، توفان، زلزله و همین‌طور بحران‌های انسان‌ساز مانند آتش‌سوزی و حتی حملات تروریستی دارای طرح تخلیه جمعیت بوده و به تناوب از طریق

مانورهای گوناگون آن را آزموده‌اند، کلان‌شهر پرتراکم و افسارگسیخته تهران از چنین طرحی حتی در حد یک سند مصوب روی کاغذ نیز بی‌بهره است.

نگاهی به وضعیت ساختمان‌های اداری، تجاری و حتی مسکونی تهران و بسیاری از کلان‌شهرها نشان می‌دهد در بسیاری از آنها دست‌کم استانداردهای فیزیکی (نظیر پله‌های اضطراری) و برنامه‌ای (مانند نقشه‌های فرار، سلسله‌مراتب خروج و...) وجود ندارد. موضوع در سطح افقی و در میان محلات و پهنه‌های شهری نگران‌کننده‌تر است.

در بسیاری از بافت‌های فرسوده که بالقوه به دلیل نفوذناپذیری در معرض بحران هستند، نوسازی‌های صورت‌گرفته نیز عمدتاً بدون توجه به اصول مدیریت بحران و در داخل کوچه‌های باریک یا انتهای بن‌بست‌های کور بوده‌اند؛ به‌نحوی که در بسیاری از موارد ابتدای این معابر کم‌عرض به دلیل تقاطع با خیابان‌های اصلی (و احتمالاً وجود پلاک‌ها و راسته‌های تجاری) دست‌نخورده مانده و عقب‌نشینی نداشته‌اند. به بیان دیگر، درحالی‌که نفوذپذیری بافت گاهی افزایش نیافته و دهانه معابر تعریض نشده‌اند، بارگذاری‌های جمعیتی چند برابر شده است. در نیمه شمالی و غربی شهر نیز با وجود بافت نوسازتر، نبود تناسب میان میزان جمعیت و ظرفیت معابر و سیستم حمل‌ونقل بسیار مشهود است. نگاهی به حجم عظیم پارکینگ‌های حاشیه‌ای، بحران رفت‌وآمد در روزهای بارانی و برفی در معابر سطح شهر و همین‌طور گره‌های ترافیکی در مبادی ورودی و خروجی تهران در ایام تعطیل، برخی از ابعاد این خلأ را روشن می‌کند. قطعاً اثرات این بی‌برنامگی در تخلیه جمعیت، در زمان وقوع رخداد‌های ناگوار مانند فروریختن ساختمان پلاسکو (یا تصویر فرضی هولناک‌تری که شرح آن گفته شد)، با هراس شهروندان درحال فرار تشدید شده و می‌تواند هر حادثه مشابه با فاجعه اخیر را به بحرانی ملی تبدیل کند.

بافت‌های یکپارچه و به‌هم‌پیوسته مانند بازار تهران و بسیاری از پهنه‌های تجاری فرسوده شهر نیازمند طرح‌های تخلیه جمعیت موضعی هستند. طرح‌هایی که نه‌فقط در جلسات و مصوبات، بلکه باید به آگاهی تک‌تک کسبه و سکنه برسد تا هریک بدانند در زمان بحران باید از کدام مسیر نسبت به تخلیه محل بحران اقدام کرده و حتی در این فرایند مشارکت کنند. همچنین برای دیگر معابر شلوغ و مسیرهای اصلی سطح شهر نیز لازم است هرچه سریع‌تر طرح‌های تخلیه اضطراری جمعیت تهیه شده و از سوی سازمان مدیریت بحران شهر تهران مورد آزمایش و مانورهای مداوم قرار گیرد تا در زمان نیاز ضمن جلوگیری از تصمیم‌های لحظه‌ای و هیجانی، بتواند هدایت‌کننده جمعیت وحشت‌زده باشد. این موضوع درباره ساختمان‌های اداری-تجاری، مجتمع‌های سینمایی و فرهنگی و حتی برج‌های مسکونی حیاتی‌تر بوده و لازم است با رعایت استانداردها و شرایط هریک از این بناها، دستورالعمل ویژه هریک تهیه شده و به اطلاع عموم بهره‌برداران آنها برسد. در واقع آنچه امروز از آن به‌مثابه بمب خفته در شهر تهران و بسیاری از کلان‌شهرها یاد می‌شود، نه لزوماً ساختمان‌های فرسوده، بناهای مسئله‌دار، فعالیت‌های بحران‌زا و... بلکه «جان» شهروندانی است که ارزش هرکدام فراتر از فروریختن ده‌ها برج و پل و سازه سنگین است. به نظر می‌رسد لازم است شهرداری تهران هرچه سریع‌تر با همکاری و بهره‌گیری از دستگاه‌های ذی‌ربط ازجمله سازمان مدیریت بحران کشور، دیگر وزارتخانه‌های مرتبط، سازمان پدافند غیرعامل و دیگر نهادهای دست‌اندرکار، نسبت به تهیه طرح تخلیه جمعیت برای شهر تهران، در هر دو مقیاس شهری و محله‌ای و همچنین بناهای ویژه اقدام کند تا مبادا بار دیگر حادثه‌ای به فاجعه جان‌سوز بدل شده و حسرت درس‌نگرفتن از گذشته را بر دل همه ما بگذارد.

*پژوهشگر مطالعات شهری
(دانشگاه ایالتی کانزاس آمریکا)